

بررسی رابطه بین ویژگی های طرحواره های اصلی انسانی و رضایت مندی زناشویی

مریم صادقی^۱

^۱ کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز

نام نویسنده مسئول:

مریم صادقی

چکیده

ازدواج به عنوان مهمترین و عالیترین رسم اجتماعی برای دستیابی به نیاز های عاطفی و امنیتی افراد بزرگسال، همواره مورد تایید بوده است. ازدواج رابطه ای انسانی، پیچیده، ظریف و پویا میباشد که از ویژگیهای خاص برخوردار است همچنین توجه به کانون خانواده، محیط گرم و تعاملات میان فردی صمیمی ای که میتوانند موجب رشد و پیشرفت افراد گردند از جمله اهداف و نیازهای ازدواج محسوب میشوند. در این پژوهش هدف کلی تعیین رابطه بین ویژگیهایی طرحواره های انسانی و رضایت زناشویی است. طرحواره از دیدگاه ۵ عاملهای طرحواره ناسازگار اولیه مورد بررسی قرار گرفته است که شامل ۱-بریدگی و طرد ۲-خودگردانی و عملکرد مختل ۳-محدودیتهای مختل ۴-دیگر جهتمندی ۵-گوش به زنگی بیش از حد و بازداری میباشد. از این رو تعداد ۵۰ زوج (۱۰۰ نفر) به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند برای تشخیص طرحواره از پرسشنامه طرحواره یانگ استفاده شده است. در مبنای نظری تحقیق این پژوهش نظریه ها و تحقیقهای مرتبط با شخصیت و رضایت زناشویی مورد بررسی و نقد قرار گرفته است. برخی نتایج بدست آمده از تحلیل ۵ فرضیه عبارتند از: بین (اکثر فرضیه ها رابطه معنی دار وجود دارد به غیر دو خرده مقیاس حوزه اول و دوم)

واژگان کلیدی: طرحواره های اصلی انسانی - رضایت مندی زناشویی

مقدمه

ازدواج یک خواسته طبیعی بشر است که همه جوامع وادیان اسمانی بر آن صحنه گذارده اند تشکیل خانواده یک واقعیت طبیعی و فطری انسان است که موجبات ارضای متقابل نیازهای عاطفی و فیزیکی اساسی انسان و تکمیل شخصیت او را فراهم میکند . زوجها با ارمان زندگی مشترک و برخورداری از حمایت و آرامش به سوی تشکیل خانواده گام برمیدارند . اما خانواده باهوش به مثابه یک موجود زنده تحول مییابد . به منظور کمک به افزایش میزان ثبات در زندگی خانوادگی و افزایش رضایت زناشویی اشاره کرد. البته تاکید بر سازش به این معنا نیست که به زوجین یاد داد تا همواره از خواسته های خود چشم ببوشند بلکه سازش مستلزم سازگار کردن خود با خواسته های همسر است . کاپور سازگاری زناشویی را حالتی میداند که در آن یک احساس کلی خوشحالی و رضایت در زوجین از ازدواجشان واز بودن در کنار یکدیگر وجود دارد . خانواده به عنوان یک واحد به ظاهر کوچک اجتماعی از ارگان عمده نهادهای اصلی هر جامعه به شمار میرود . در واقع هر خانواده بنای جامعه و کانون اصلی حفظ سنت و رسوم و ارزشهای والا و مورد احترام و شالوده مستحکم پایداری اجتماعی و روابط خویشاوندی مبدأ بروز و ظهور عواطف انسانی و کانون صمیمانه -ترین روابط میان افراد و پرورش فکرو اندیشه و اخلاق و تعالی روح انسان به شمار میرود. خانواده به عنوان واحد عاطفی -اجتماعی کانون رشد و تکامل تحول و تغییر است در نتیجه تاثیر بسزایی در تعادل روانی عاطفی و اجتماعی داشته و به عنوان کوچکترین کانون اجتماعی شدن متضمن پذیرش نقشهای اجتماعی و همخوانی با هنجارهای اجتماعی میباشد. خانواده سالم نظامی باز است که اعضای آن در عین حال که از روابط عاطفی گرم با هم برخوردارند، هویت فردی خود را حفظ می نمایند. در این خانواده عشق و محبت به طور نامشروط تبلور پیدا می کند و اعضا پذیرای یکدیگر هستند، استانه ی تحمل خانواده در برابر کشمکش و استرس بالا است و به هنگام نیاز داوطلبانه در صدد یاری خواهان آن می باشند. در بعضی خانواده ها اعتلاف قوی و روشن بین والدین وجود دارد و قدرت بین والدین تقسیم می شود اعضای خانواده با هم نزدیک و صمیمی هستند با این حال حریم شخصی افراد حفظ می شود و استقلال و فردیت اشخاص مورد احترام است. در مقابل خانواده ی مختل خانواده ای است که قادر به تامین نیاز های تکاملی اعضا، حل مشکلات و تعارضات خود نیست. کارکرد او مختل است. مرز بین اعضا نامشخص است و اعضا استقلال رای ندارند ، حمایت و همکاری رخ نمی دهد. نظام خانواده بسته و اعضای آن به لحاظ عاطفی سرد، جدا از هم و گسسته می باشند، احساس فراگیر افسردگی وجود دارد.

سازگاری زناشویی مدتی است که به موضوعی مورد علاقه در روانشناسی ، ارتباط و خانواده تبدیل شده است. سازگاری زناشویی به صورت منفی با حساس تنهایی در ارتباط است. و تحقیقات متعددی بیانگر ارتباط احساس تنهایی با مشکلات سلامتی و روانشناختی، الکلیسم، خودکشی، افسردگی می باشد. می توان گفت که زندگی مشترک شاد وسیله ای است که از طریق آن عملکرد افراد بهبود می یابد. همچنین دهرتی وولستر و لیگ معتقداند که تشکیل خانواده آرامش و اعتدال را به ارمغان می آورد و در صورتیکه احساس زوجها نسبت به زندگی مشترک مطلوب باشد آنان را از رفاه ، امنیت و سلامت برخوردار می سازد موجبات افزایش برآورد آنها را از توانایی هایشان می گردد و پذیرش مسئولیت و ایفای نقش والدین را در

انها ترغیب می نماید. شایعترین مشکلی که توسط زوجهای ناراضی مطرح می شود عدم موفقیت در برقراری ارتباط است. گرچه سالها این باور مبتنی بر عقل سلیم مورد قبول بوده است اما محققان فقط اخیرا به بررسی آن پرداخته اند. نتایج این پژوهشها به وضوح نشان می دهد که مشکلات ارتباطی تنها علت تعارضهای زناشویی نیست. با وجود این مشکلات ارتباطی روابط زوجهای درمانده را مشخص می سازد و ظاهرا مشکلات تجربه شده ی قبلی را تشدید می کند (برنا شتان) .

ویس وهمکارانش مجموعه ای از پژوهشهای برنامه ریزی شده را انجام داده اند و به مشاهده ی زوجها در هنگامی که تلاش می کردند برای تکالیف حل تعارض و گفتگوی خودمانی ارتباط بر قرار کنند پرداختند. یافته های آنها نشان دهنده ی فراوانی بالاتر رفتارهای منفی زوجهای درمانده در هر دو نوع تکلیف است. علاوه بر این چون این یافته ها در گفتگوی هر یک از طرفین با افراد بیگانه دیده نمی شود بنابراین مشکلات ارتباطی جنبه ی فردی نداشته و خواسته ی زوج است.

تحقیقات زیادی در مورد روش تعاملی زوجها صورت گرفته است (گاتمن و همکارانش ۱۹۹۲) در پژوهش هایی نشان دادند که در زوج هایی که تعاملات مثبت بیش از تعاملات منفی است دوام زناشویی بالاتر بوده و نرخ رفتارهای مثبت به رفتارهای منفی پنج به چهار است. همسرانی که تعاملات منفی بیشتری دارند نارضایتی بیشتری از زندگی زناشویی دارند. با جرات می توان گفت یکی از اصلی ترین انگیزه های تشکیل خانواده، آمیزش و تامین نیاز جنسی است. از نظر روانشناسی تمایلات جنسی هر شخصی به سه عامل وابسته و به هم مربوط است این سه عامل عبارتند از :

جنسیت شخص ، رفتار جنسی ، و هویت جنسی . این عوامل که در رشد و پیشرفت شخصیت تاثیر می گذارند مجموعا عوامل روانی جنسی نام دارند. تمایلات جنسی شخص انچنان با کلیت شخصیت او در هم آمیخته و بر بینش او از خود روابطش با دیگران و الگوهای کلی رفتار او تاثیر می کند که صحبت از تمایلات جنسی به عنوان یک پدیده ی مستقل در واقع غیر ممکن به نظر می آید. ارضای صحیح غریزه جنسی طرفین مسئله مهم و پیچیده ای است که هیچگاه نباید از کنار آن بی تفاوت گذشت زیرا در استحکام و تزلزل خانواده نقش مهمی دارد.

رابطه ی جنسی و تاثیر آن در رضایت زناشویی مورد مطالعه قرار گرفته است. رابین(۲۰۰۲) در تحقیقات خود نشان داد ازدواج با فعالیت جنسی معیوب فاقد رضایت است. پتریشیا مورکوف معتقد است، رضایت جنسی فرد و آگاهی از رضایت جنسی همسر و دفعات نزدیکی جنسی با رضایت زناشویی مرتبط است. در تحقیقی که در آمریکا توسط بوس و تور(۱۹۷۷) روی ۱۰۷ زوج هفده تا چهل و یک ساله انجام شد محققین به بررسی پایداری زناشویی پرداختند که نتایج حاصله بیانگر این است که سه عامل عمده موجب ناپایداری زناشویی می شود.

الف) عوامل شخصیتی مانند وجدان ضعیف. از نظر اخلاقی حائلهای خودشیفتگی شدید و وجود زمینه های روان پریشی

ب) زمینه های مربوط به روابط زناشویی مانند نارضایتی جنسی، عدم تعادل و اختلاف.

ج) ناهمسانی در ارزشگذاری متقابل میان زن و مرد.

این عوامل حتی در نخستین سال زندگی مشترک می تواند سبب فروپاشی آن شود. روشهای حل مثله یا تعارض نیز یکی از فاکتورهای مهم در رضایت زناشویی می باشد حل مشکل آن گونه که معمولا مورد نظر است شامل مجموعه ای ساختار مند از

تعاملات است که برای حل زمینه های تعارض آمیز خاص موجود در میان همسران طرح شده است (جاکبسون ۱۹۷۹).
وینست و همکارانش (۱۹۷۵) اهمیت آموزشهای مهارتهای حل مشکل کارآمد به زوج ها را به تفصیل بیان کرده اند این محققان در یافته اند که زوجهای در مانده در مقایسه با زوجهای غیر در مانده به نحو معناداری رفتارهای حل مشکل مثبت را کمتر و رفتارهای حل مشکل منفی را بیشتر بروز می دهند بعلاوه بسیاری از پژوهشها آموزش حل مشکل را به نحوی موفق در درمان ناهماهنگی زناشویی به کار برده اند.

تحقیقات دیگر تاثیر عواملی چون سو گیری مذهبی و مسایل شخصی، مسائل اقتصادی، سازگاری، نیاز به یکدیگر، احترام متقابل، اطمینان، عقاید و فلسفه ی مشترک در زندگی، شوخ طبعی، احساس همفکری، علاقه و جذابیت جنسی ، تعهد و عزت نفس در رضایت زناشویی را نشان داده- اند.

یکی از عوامل پیش بینی کننده و با ثبات در رضایت زناشویی نقش ویژه گی های طرح واره های اصلی که در هر یک از زوجین وجود دارد می باشد. تاکید بر اینکه افراد تمایل دارند همسر ایده آل شان برای ازدواج در پاره ای از جنبه های روانشناختی با آنها همانند باشد و اینکه همسر گزینی مناسب و مثبت شامل خصوصیات جسمانی توانایی های شناختی و مزاج های شخصیتی نیز می باشد، توسط گاتمن (۱۹۸۴) عنوان شد.

اهمیت مسیله زمانی بهتر نمایان می شود که به این امر توجه شود که چه بسیار خانواده هایی هستند که زن و شوهر ظاهرا به زندگی با یکدیگر ادامه می دهند اما در واقع چیزی بیش از یک خانواده ی تو خالی نیستند که اعضای آن در محیطی به سر می برند پر آشوب و عصبی ، هر لحظه ممکن است از هم پاشیده شود. افزایش اختلافات خانواده گی پدیده هایی نیستند که بتوان با مطالعات سطحی آنها را توجیه کرد چون این پدیده نمی تواند معلول یک عامل واقع شود. طبعاً ماحصل چندین عامل دیگر می باشد، که شدت و ضعفی بین این عوامل حاکم می باشد. مطالعاتی که در این زمینه به عمل آمده است نشان می دهند که عدم شناخت و درک صحیح زن و مرد از یکدیگر میزان توقعات طرفین از همدیگر، تفاوت فرهنگ و آداب و رسوم زن و شوهر، اعتیاد و ازدواجهای تحصیلی و ... همگی دست به دست هم می دهند و باعث نابودی بنیاد خانواده می گردد. (تقوی ۱۳۷۴).
علاقه به پیشبینی میزان سازگاری زناشویی قبل از ازدواج توسط برگ و الیس و قبل از آنها ترمن مطرح شده است. در تحقیقات مختلف اکثر زوجها مشاوره ی قبل از ازدواج را مقید داشته اند. (لارنس ۲۰۰۲) پس با توجه به این خانواده یک نهاد اصلی می باشد حفظ پایه های ان در سلامت روانی افراد (زوجین) بسیار مهم بوده و نیز با توجه به اینکه یک خانواده ی سالم پرورش دهنده ی فرزندان شاد و فعال می باشد می توان به نقش و اهمیت عوامل دخیل در رضایت زناشویی پی برد.
شناسایی و پرداخت به این عوامل می تواند روشی برای جلوگیری از فروپاشی این کانون مهم اجتماعی باشد.

بسیاری از افراد به خاطر مشکلات ارتباطی در جستجوی درمان هستند و در اکثر اختلالات روانی شناخته شده مشکلات بین فردی و جود دارد. بیشتر مشکلات ارتباطی که انسانها تجربه می کنند تحت تاثیر شیوه های تصور آنها در مورد خود و دیگران قرار دارد که این فرایند شناختی طرح واره نام دارد. طر حواره های ناسازگاری اولیه موضوعات ثابت و دراز مدتی هستند که در دوران کودکی به وجود می آید، به زندگی بزرگسالی راه می یابد و تا حد زیادی ناکارآمدند. (یانگ و همکاران ۲۰۰۳) این

طرحواره ها که هجده نمونه ی آن در پنج حوزه ی بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت های مختل، دیگر جهت مندی و گوش بزنگی بیش از حد و بازداری شناسایی شده، الگویی برای پردازش تجارب بعدی محسوب می شوند (یانگ) طرحواره ها بر شیوه تفکر احساس و رفتار افراد تاثیر می گذارند و پس از ازدواج عامل صمیمیت زناشویی تا حدودی بر اساس طرحواره ها تبیین می شود. (استیلز ۲۰۰۴) صمیمیت نزدیکی، تشابه و یک رابطه ی شخصی عاشقانه یا هیجانی با شخص دیگر است که مستلزم شناخت و درک عمیق از فرد دیگر به منظور بیان افکار و احساساتی است که بعنوان منشأ تشابه و نزدیکی به کار می رود.

با توجه به تعریف ذکر شده می توان صمیمیت را به نه حیطه تقسیم کرد: صمیمیت هیجانی - صمیمیت روانشناختی - صمیمیت عقلانی - صمیمیت جنسی - صمیمیت بدنی - صمیمیت زیباشناختی - صمیمیت زمانی .

یانگ و گولوسکی (۱۹۹۷) چنین فرض کرده اند که رضایت در روابط نزدیک فقط هنگامی یافت می شود که نیاز های اساسی اولیه و نیازهای بزرگسالی به طور مقتضی برآورده شود . عدم ارضای این نیاز ها منجر به ایجاد طرحواره های ناسازگار خاص می شود. که این طرحوارهها نیز ممکن است بر روابط صمیمانه تاثیر داشته باشد از آنجا که صمیمیت نیز به عنوان یک مولفه ی اصلی برای روابط نزدیک معرفی شده است (ماکوس و اسوت ۲۰۰۲) تحقیق حاضر به بررسی رابطه بین طرحوارههای اصلی انسان و صمیمیت در زندگی زناشویی زوجین عادی می پردازد.

هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین ویژگی های طرحواره های اصلی انسانی شامل: محرومیت هیجانی، رها شدگی، بی اعتمادی، انزوای اجتماعی، نقص، ناخوشایندی اجتماعی، خویشن داری، استحقاق، اطاعت، ایثار، وابستگی، شکست، آسیب پذیری و همچنین عوامل دیگر مثل رابطه ی جنسی، حل تعارض، جهت گیری مذهبی، فاصله ی سنی با میزان رضایت مندی زناشویی می باشد.

فرضیه ها

۱. بین عدم رضایت از زندگی و طرحواره بریدگی و طرد رابطه وجود دارد.
۲. بین عدم رضایت از زندگی و خودگردان و عملکرد مختل رابطه وجود دارد.
۳. بین عدم رضایت از زندگی و محدودیت های مختل رابطه وجود دارد.
۴. بین عدم رضایت از زندگی و دیگر جهت مندی رابطه وجود دارد.
۵. بین عدم رضایت از زندگی و گوش بزنگی و بازداری رابطه وجود دارد.

روش تحقیق و نوع طرح پژوهش

طرح این تحقیق از نوع تحقیقات پس رویدادی می باشد. در تحقیق حاضر رابطه بین متغیر های مستقل یا پیشبینی (طرحواره ها) و متغیر ملاک یا وابسته که رضایت زناشویی است مورد بررسی قرار می گیرد .

جامعه آماری، نمونه تحقیق و روش نمونه گیری

جامعه آماری مورد بررسی در این تحقیق شامل ۵۰ زوج (۱۰۰ نفر) که ساکن شهر تبریز می باشند بوده است که بصورت تصادفی از میان کلیه زوجهای شهر تبریز انتخاب شده است. از بین جامعه آماری تعداد ۵۰ زوج به عنوان نمونه آماری انتخاب شده اند و هر نفر دو نوع پرسشنامه ، (پرسشنامه رضایت زناشویی با ۴۷ سوال) و پرسشنامه (طرحواره یانگ با ۲۰۵ سوال) را پر کرده اند که در مجموع ۲۰۰ پرسشنامه می باشد. در این تحقیق از نمونه گیری ساده تصادفی استفاده شده است. بدین صورت که پس از صحبت با آنها و مطرح کردن اهداف تحقیق و کسب موافقت آنها ، به تعدادی که ساکن تبریز بوده اند دو پرسشنامه ، (پرسشنامه رضایت زناشویی با ۴۷ سوال) و پرسشنامه (طرحواره یانگ با ۲۰۵ سوال) داده شد.

ابزار تحقیق

پرسشنامه پربار سازی و تقویت رابطه ، ارتباط و خشنودی انریخ که توسط اولسون، فورنیر و دارکمن طراحی شده . هدف از ساخت آن تعیین حیطه های کای، نقاط قوت روابط زناشویی و سنجش رضایت زناشویی است. پرسشنامه انریخ یک ابزار ۱۱۵ سوالی برای ارزیابی زمینه های بالقوه مشکل زا یا شناسایی زمینه های قوت و پر باری رابطه زناشویی به کار می رود که ما از فرم کوتاه آن که شامل ۴۷ سوال میباشد استفاده کرده ایم . همچنین از این پرسشنامه برای تشخیص زوجهای استفاده می شود که نیاز به مشاوره و تقویت رابطه ی خود دارند. این پرسشنامه از ۱۲ خرده مقیاس تشکیل شده است که از ترکیب همه آنها رضایت زناشویی حاصل می شود. مقیاس اول آن ۵ سوالی و سایر مقیاس ها هر کدام ۱۰ سوال را در بر می گیرند. خرده مقیاسهای این پرسشنامه از این قرار است. تحریف آرمانی (سوالهای ۱-۵) سازگاری زناشویی (سوالهای ۶-۱۵) مسایل شخصیتی (۱۶-۲۵) ارتباط (۲۶-۳۵) حل تعارض (۳۶-۴۵) مدیریت مالی (۴۶-۵۵) اوقات فراغت (۵۶-۶۵) رابطه جنسی (۶۶-۷۵) فرزندان و فرزند پروری (۷۶-۸۵) خانواده و دوستان (۷۶-۹۵) نقشهای مساوات طلبی (۹۶-۱۰۵) جهت گیری مذهبی (۱۰۶-۱۱۵) .

نمره رضایت زناشویی از ترکیب نمره رضایت زناشویی مرد و نمره رضایت زناشویی زن بدست می آید . ضریب آلفای پرسشنامه انریخ در گزارشهای اولسون ، فورنیر ، دارکمن برای دوازده نفر حداقل ۰/۴۸ و حداکثر ۰/۹۰ بوده است در چنین تحقیق متعدد نیز ضریب آلفای خرده مقیاس های انریخ را در دامنه های بین ۰/۶۸ (برای نقش های مساوات طلبی) تا ۰/۸۶ (برای رضات زناشویی) و با میانگین ۰/۷۹ گزارش نموده اند. اعتبار بازآزمایی پرسش نامه در فاصله ۴ هفته بین ۰/۷۷ (برای اوقات فراغت) تا ۰/۹۲ (برای روایت جنسی و تحریف آرمانی) با میانگین ۰/۸۶ بوده است (نقل از ثنائی، ۱۳۷۹) این پرسشنامه از ۱۲ خرده مقیاس تشکیل شده است که از ترکیب همه آنها رضایت زناشویی حاصل میشود . مقیاس اول آن ۵ سوالی و سایر مقیاسها هر کدام ۱۰ سوال را در برمیگیرد . برای سنجش یکنواختی گویه ها و پایایی درونی گویه ها از ازمون

تحلیل عاملی استفاده شده است که ضریب پایایی به دست آمده نشانگر آن است که گویه های متغیر مورد نظر دارای هم توافی و پایایی کامل بالایی میباشد .

پرسشنامه طرحواره یانگ (YSQ-21؛ یانگ و براون، ۲۰۰۱، ۱۹۹۰)؛ ابزاری خود-گزارش دهی برای سنجش طرحواره هاست. بیمار بر اساس توصیف هر جمله ،خودش را در یک مقیاس لیکرت شش درجه ای میسنجد. درمانگر معمولاً YSQ را بعد از جلسه اول یا دوم، به عنوان تکلیف خانگی، به بیمار میدهد تا آن را تکمیل کند .

نسخه اولیه پرسشنامه توسط صاحبی و حمید پور (۱۳۸۴) به فارسی برگردانده شده است . در این پژوهش فرم بلند آن یعنی ۲۰۵ سوالی به کار برده شد . که هر سوال در طیف لیرک به صورت شش گزینه ای از کاملاً غلط (نمره یک) تا کاملاً درست (نمره شش) پاسخ داده میشود . این ابزار ۱۸ طرحواره ناسازگار اولیه را در ۵ حوزه ((طرد و بریدگی)) خود گردانی و عملکرد مختل ((محدودیت های مختل))((دیگر جهت مندی))و گوش به زنگی بیش از حد و بازداری))شناسایی میکند . اولین پژوهش جامع راجع به ویژگی های روانسنجی این پرسشنامه توسط اسمیت ،جوینر ،یانگ و تلچ (۱۹۹۵، به نقل از یانگ و همکاران) انجام شد .نتایج این مطالعه نشان داد که برای هر طرح واره ناسازگار اولیه ،ضریب الفایی از ۰/۸۲ (برای طرح واره خود تحول یافته /گرفتار) تا ۰/۹۶ (برای طرحواره نقص / شرم)به دست آمد و ضریب ازمون -باز ازمون در جمعیت غیر بالینی بین ۰/۵۰ تا ۰/۸۲ بود .همچنین این پرسشنامه با مقیاس های ناراحتی روان شناختی ، احساس ارزشمندی ، آسیب پذیری شناختی نسبت به افسرده گی و نشانه شناسی اختلالات شخصیت ،روایی همگرا و افتراقی خوبی نشان داده است .

یافته ها

جدول ۱: ماتریس همبستگی بین طرحواره های حوزه ۱ (بریدگی و طرد) با رضایت زناشویی

متغیر ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
رها شدگی - بی ثباتی	1					
بی اعتمادی - بد رفتاری	0.066	1				
محرومیت هیجانی	0.009	-0.168	1			
نقص - شرم	-0.025	0.496**	0.047	1		
انزوای اجتماعی - بیگانگی	-0.043	0.207	0.144	0.356*	1	
رضایت زناشویی	-0.82**	0.324*	-0.224*	0.002	-0.109	1

*.P < 0.05 ** P < 0.01

در جدول ۱: ماتریس همبستگی بین طرحواره های حوزه ۱ (بریدگی و طرد) با رضایت زناشویی آورده شده است. بر اساس نتایج مندرج ، ضریب همبستگی رضایت زنا شویی با طرحواره های رها شدگی - بی ثباتی ، بی اعتمادی - بد رفتاری و

محرومیت هیجانی در سطح ۰/۰۵ معنادار است. زیرا مقدار ضریب همبستگی بدست آمده در موارد ذکر شده بیشتر از مقدار همبستگی جدول (۰/۲۷) در آلفای ۰/۰۵ و درجه آزادی ۹۸ می باشد

جدول ۲: ماتریس همبستگی بین طرحواره های حوزه ۲ (طرحواره خودگردانی و عملکرد مختل) با رضایت زناشویی

متغیر ها	1	2	3	4	5
وابستگی	1				
آسیب پذیری در برابر ضرر و بیماری	.232*	۱			
گرفتار - خود تحول نیافته	.092	.151	1		
شکست	.215*	.029	-.002	1	
رضایت زنا شویی	.318**	-.20**	-.۳۴**	-.294**	1
*. P< 0.05 **P<0.01					

در جدول ۲ ماتریس همبستگی بین طرحواره های حوزه ۲ (طرحواره خودگردانی و عملکرد مختل) با رضایت زناشویی آورده شده است. بر اساس نتایج مندرج ، چون مقدار ضریب همبستگی بدست آمده بیشتر از مقدار همبستگی جدول (۰/۱۹) در آلفای ۰/۰۵ و درجه آزادی ۹۸ می باشد بنابر این بین رضایت زناشویی با طرحواره های آسیب پذیری در برابر ضرر و بیماری ، گرفتار و خود تحول نیافته و شکست رابطه منفی معنادار و بین رضایت زناشویی و وابستگی رابطه مثبت معنادار در سطح ۰/۰۵ وجود دارد .

جدول ۳: ماتریس همبستگی بین طرحواره های حوزه ۳ (طرحواره های محدودیت های مختل) با رضایت زناشویی

متغیر ها	استحقاق - بزرگ منشی	خویشتن داری - خودانضباطی ناکافی	رضایت زناشویی
استحقاق - بزرگ منشی	1		
خویشتن داری - خودانضباطی ناکافی	-.075	1	
رضایت زناشویی	-.97**	-.12**	1
*. P< 0.05 **P<0.01			

در جدول ۳: ماتریس همبستگی بین طرحواره های حوزه ۳ (طرحواره های محدودیت های مختل) با رضایت زناشویی آورده شده است. بر اساس نتایج مندرج ، چون مقدار ضریب همبستگی بدست آمده بیشتر از مقدار همبستگی جدول (۰/۲۵) در آلفای ۰/۰۱ و درجه آزادی ۹۸ می باشد بنابر این بین رضایت زناشویی با طرحواره های استحقاق - بزرگ منشی و رضایت زناشویی با خویشتن داری - خودانضباطی ناکافی رابطه معنادار در سطح ۰/۰۱ وجود دارد .

جدول ۴ : ماتریس همبستگی بین طرحواره های حوزه ۴ (طرحواره دیگر جهت مندی) با رضایت زناشویی

متغیر ها	اطاعت	ایثار	رضایت زناشویی
اطاعت	1		
ایثار	-.105	1	
رضایت زناشویی	.19**	.47**	1

*. $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

در جدول ۴ ماتریس همبستگی بین طرحواره های حوزه ۴ (طرحواره دیگر جهت مندی) با رضایت زناشویی آورده شده است . بر اساس نتایج مندرج ، چون مقدار ضریب همبستگی بدست آمده بیشتر از مقدار همبستگی جدول (۰/۳۶) در آلفای ۰/۰۱ و درجه آزادی ۹۸ می باشد بنابر این بین رضایت زناشویی با طرحواره های اطاعت و رضایت زناشویی با ایثار رابطه معنادار در سطح ۰/۰۱ وجود دارد

جدول ۵: ماتریس همبستگی بین طرحواره های حوزه ۵ (طرحواره گوش به زنگی بیش از حد و بازداری) با رضایت زناشویی

متغیر ها	بازداری هیجانی	معیارهای سرسختانه	رضایت زناشویی
بازداری هیجانی	1		
معیارهای سرسختانه	.502**	1	
رضایت زناشویی	-.۳۳*	-.۴۹**	1

*. $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

در جدول ۵ ماتریس همبستگی بین طرحواره های حوزه ۵ (طرحواره گوش به زنگی بیش از حد و بازداری) با رضایت زناشویی آورده شده است . بر اساس نتایج مندرج ، چون مقدار ضریب همبستگی بدست آمده بیشتر از مقدار همبستگی جدول (۰/۲۵) در آلفای ۰/۰۱ و درجه آزادی ۹۸ می باشد بنابر این بین رضایت زناشویی با بازداری هیجانی و رضایت زناشویی با معیارهای سرسختانه رابطه معنادار در سطح ۰/۰۱ وجود دارد .

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با موضوع بررسی رابطه بین طرحواره های شناختی و رضایت زناشویی ، بر روی ۱۰۰ نفر از آزمون دنی ها که به روش در دسترس انتخاب شده بودند ، انجام گرفته است.

فرضیه اول :

بین طرحواره های شناختی بریدگی - طرد و رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.

بر اساس نتایج مندرج در جدول ۱، فرضیه اول پژوهش مبنی بر وجود رابطه بین رضایت زناشویی با طرحواره های شناختی بریدگی - طرد ، مورد قبول واقع می شود. بدین معنی که بین رضایت زناشویی با طرحواره های شناختی رها شدگی - بی ثباتی (یعنی بی ثباتی یا بی اعتمادی نسبت به دریافت محبت و برقراری ارتباط با اطرافیان، به طوریکه فرد احساس می کند افراد مهم زندگی اش نمی توانند حمایت عاطفی و تشویق لازم را به او بدهند، زیرا این افراد از لحاظ هیجانی بی ثبات ، غیر قابل پیش بینی، برای مثال ، ناگهان عصبانی می شوند. اعتماد ناپذیر و نامنظم اند. فردی که چنین طرحواره ای در ذهنش شکل گرفته باشد، معتقد است هر لحظه امکان دارد افراد مهم زندگی اس بمیرند یا اینکه او را رها کنند و به فرد دیگری علاقمند شوند) ، بی اعتمادی - بد رفتاری (یعنی انتظار اینکه دیگران به انسان ضربه می زنند، بدرفتارند، انسان را سرافکنده می کنند، دروغ می گویند و دغل کار و سود جو هستند. چنین انتظاری باعث می شود فرد وقایع پیرامون را به گونه ای خاص ادراک کند. آسیبی که به فرد وارد نموده اندعمدی بوده و یا در نتیجه بی مبالاتی و غفلت مفرط پدید آمده است.ممکن است فرد احساس کند که یک نفر موجودی او را می دردد و یا حق او را می خورد) ، محرومیت هیجانی (یعنی انتظار اینکه تمایلات و نیازهای فرد به حمایت عاطفی به اندازه کافی از جانب دیگران ارضا نمی شود) ، رابطه معنا دار وجود دارد.

پس می توان نتیجه گرفت که طرحواره های شناختی حوزه بریدگی و طرد نقش مهمی در رضایت زناشویی ایفا می کنند و توجه و شناسایی این طرحواره ها ، در بهبود روابط زناشویی موثر است.

فرضیه دوم :

بین طرحواره های شناختی خود گردانی - عملکرد مختل و رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.

بر اساس نتایج مندرج در جدول ۲فرضیه دوم پژوهش مبنی بر وجود رابطه بین رضایت زناشویی با طرحواره های شناختی بریدگی - طرد، مورد قبول واقع می شود. بدین معنی که بین رضایت زناشویی با طرحواره های شناختی آسیب پذیری در برابر ضرر و بیماری (یعنی ترس افراطی از اینکه فاجعه نزدیک است و هر لحظه احتمال وقوع آن وجود دارد و اینکه فرد نمی تواند از وقوع آن جلوگیری کند) ، طرحواره گرفتار و خود تحول نیافته (یعنی ارتباط عاطفی شدید و نزدیکی بیش از حد با یکی از افراد مهم زندگی (اغلب والدین) به قیمت از دست دادن فردیت یا رشد اجتماعی طبیعی، غالباً اعتقاد براین است که هیچ یک از این افراد گرفتار ، بدون حمایت دیگری قادر به ادامه زندگی نبوده یا نمی توانند شاد باشند. فردی که چنین طرحواره ای دارد ممکن است احساس کند وجودش در وجود دیگران ادغام شده است.و هویت جداگانه ای ندارد. این طرحواره اغلب به صورت پوچی و سردرگمی، جهت نداشتن و بی هدفی و یا در موارد شدید به صورت شک و تردید در موجودیت و ساختار

وجودی فرد بروز کند) و طرحواره شکست (یعنی باور به اینکه فرد شکست خورده و یا در آینده شکست خواهد خورد. و اینکه شکست برای او اجتناب ناپذیر است. فرد در مقایسه با همسالانش در حوزه های پیشرفت ، مثل تحصیل ، شغل ، ورزش و ... غالباً احساس بی کفایتی می کند. اغلب شامل این باور است که شخص، دیوانه، بی استعداد، نالایق و نادان است و نسبت به دیگران موفقیت کمتری دارد) ، رابطه معنا داری وجود دارد.

پس می توان نتیجه گرفت که طرحواره های حوزه خودگردانی و عملکرد مختل نیز در تعیین میزان رضایت زناشویی موثر است.

فرضیه سوم :

بین طرحواره های شناختی محدودیت های و رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.

بر اساس نتایج مندرج در جدول ۳، فرضیه سوم پژوهش مبنی بر وجود رابطه بین رضایت زناشویی با طرحواره های شناختی بریدگی - طرد ، مورد قبول واقع می شود. بدین معنی که بین رضایت زناشویی با طرحواره های شناختی استحقاق - بزرگ منشی (یعنی فردی که چنین طرحواره ای دارد معتقد است که نسبت به دیگران یک سروگردن بالاتر است. حقوق ویژه ای برای خودش قائل است و تعهدی نسبت به رعایت اصول روابط متقابل که راهنمای تعاملات اجتماعی بهنجار هستند ندارد. اغلب بر این نکته پافشاری می کند که دیگران باید هر آنچه را که او می خواهد برایش فراهم کنند. بدون توجه به اینکه آیا درخواست او منطقی است.

چه چیزی از نظر دیگران معقول است یا اینکه چه هزینه ای برای دیگران دارد. چنین افرادی برای اینکه بتوانند کسب قدرت کنند و یا دیگران را کنترل نمایند تمرکز افراطی بر برتری جویی (برای مثال موفق ترین، با استعداد ترین و ثروتمندترین شدن) دارند. (هدف اولیه کسب توجه یا پذیرش از سوی دیگران نیست) گاهی اوقات فرد برای اینکه بتواند تمایلات خود را ارضا کند بدون همدلی با دیگران یا بدون توجه به نیازها و احساسات آنها به رقابت افراطی یا کنترل رفتارهای دیگران روی می آورد) و طرحواره خویش داشتن داری - خود انضباطی ناکافی (یعنی مشکلات مستمر در خویش داشتن داری مناسب و تحمل نکردن ناکامی ها در راه دستیابی به اهداف شخصی یا ناتوانی در جلوگیری از بیان هیجان ها و تکانه ها. در شکل های خفیف تر آن، بیمار به شدت از ناراحتی، اجتناب می کند. فردی که چنین طرحواره ای دارد درد را تحمل نمی کند، از مسئولیت پذیری گریزان است، به هر قیمتی که شده از تعارض جلوگیری می کند و زیاد به خودش سخت نمی گیرد. این عوامل باعث می شود از رضایت شخصی، تعهد و انسجام شخصیتی چنین فردی جلوگیری شود) ، رابطه معنا داری وجود دارد.

پس می توان نتیجه گرفت که طرحواره های شناختی حوزه محدودیت های مختل، در میزان رضایت زناشویی موثر است.

فرضیه چهارم :

بین طرحواره های شناختی دیگر جهت مندی و رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.

بر اساس نتایج مندرج در جدول ۴، فرضیه چهارم پژوهش مبنی بر وجود رابطه بین رضایت زناشویی با طرحواره های شناختی دیگر جهت مندی، مورد قبول واقع می شود. بدین معنی که بین رضایت زناشویی با طرحواره های شناختی اطاعت (یعنی احساس اجبار نسبت به واگذاری کنترل خود به دیگران. این کار معمولاً برای اجتناب از خشم، محرومیت یا انتقام صورت می گیرد) و طرحواره ایثار (یعنی تمرکز افراطی بر ارضای نیازهای دیگران در زندگی روزمره که به قیمت عدم ارضای نیازهای خود فرد تمام می شود. رایج تری دلایل انجام این کار عبارتند از : جلوگیری از آسیب رساندن به دیگران، جلوگیری از احساس گناه ناشی از خود خواهی یا تداوم ارتباط با افراد نیازمند. این امر اغلب از حساسیت بیش از حد نسبت به درد و رنج دیگران ناشی می شود) ، رابطه معنی دار وجود دارد.

پس می توان نتیجه گرفت که طرحواره های شناختی حوزه دیگر جهت مندی، در میزان رضایت زناشویی موثر است.

فرضیه پنجم :

بین طرحواره های شناختی گوش به زنگی بیش از حد و بازداری و رضایت زناشویی رابطه وجود دارد. بر اساس نتایج مندرج در جدول ۵، فرضیه پنجم پژوهش مبنی بر وجود رابطه بین رضایت زناشویی با طرحواره های شناختی گوش به زنگی بیش از حد و بازداری مورد قبول واقع می شود. بدین معنی که بین رضایت زناشویی با طرحواره های شناختی بازداری هیجانی (یعنی بازداری افراطی اعمال، احساسات و ارتباطات خود انگیخته که معمولاً به منظور اجتناب از طرد دیگران ، احساس شرمندگی و از دست دادن کنترل بر تکانه های شخصی صورت می گیرد) و طرحواره معیارهای سرسختانه (یعنی باور اساسی مبنی بر اینکه فرد برای رسیدن به معیارهای بلند پروازانه در مورد رفتار و عملکرد خود، باید کوشش فراوانی به خرج دهد و این کار معمولاً برای جلوگیری از انتقاد صورت می گیرد. این طرحواره معمولاً در خانواده هایی به وجود می آید که تحت فشارند. نسبت به خودشان و دیگران بیش از حد عیب جویی می کنند و توقع دارند کارها با کیفیت عالی و در کوتاه ترین زمان انجام گیرند. این طرحواره اغلب منجر به نقص های جدی در احساسات لذت، آرامش، سلامتی، احساس ارزشمندی، پیشرفت یا روابط رضایت مندانه می شود) ، رابطه معنادار در سطح $0/05$ وجود دارد .

پس می توان نتیجه گرفت که طرحواره های شناختی حوزه گوش به زنگی بیش از حد و بازداری نیز، در میزان رضایت زناشویی موثر است.

با توجه به تایید شدن فرضیه های پژوهش و وجود رابطه معنی دار بین ابعاد مختلف طرحواره های شناختی و رضایت زناشویی، می توان به این نتیجه رسید که چون طرحواره های شناختی ، رفتارهای ما را در زندگی مشخص می کنند و به رفتارهای ما جهت می دهند، برای رسیدن به سطحی قابل قبول از رضایت زناشویی، باید طرحواره های شناختی زوجین شناسایی شود تا در مواقع ضروری تصمیم درستی در این زمینه گرفته شود. و تحقیق حاضر هم در پی این است تا با بررسی رابطه طرحواره های شناختی و میزان رضایت زناشویی ، گام مهمی در راستای بهبود کیفیت زندگی زوجین بر دارد. و با تایید شدن فرضیه های پژوهش ، احساس نیاز در زمینه شناسایی و درمان طرحواره ها، بیشتر به چشم می خورد.

پیشنهادهای پژوهش

به طبع محدودیت های یاد شده و یافته های نهایی این مطالعه، پیشنهاد می شود که در طرح های پژوهشی آتی در این قلمرو، مواردی که در پی می آیند مد نظر قرار گیرد.

- پیشنهاد می شود تا این پژوهش بر روی حجم نمونه بیشتری انجام گیرد تا فرضیه ها با قوت بیشتری تایید یا رد شود.
- متغیرهای دیگری چون وضعیت اقتصادی - اجتماعی و حمایت اجتماعی و همچنین عملکرد خانواده که بر پرورش سبک دلبستگی معینی منجر می گردد بنابراین توصیه میگردد که این موارد در تحقیقات آینده در نظر گرفته شود.
- پیشنهاد می شود متغیر های دیگری که در رضایت زناشویی، موثر است، مورد پژوهش و بررسی قرار گیرد.
- پیشنهاد می شود کارگاه های آموزشی مهارت های زندگی ، مقابله با افکار غیر منطقی، راه های افزایش میزان رضایت زناشویی برای افرادی که دچار مشکل در زندگی زناشویی هستند، برگزار گردد تا بدین طریق سطح سلامت و بهبود عملکرد خانواده را افزایش دهیم.
- به دانشجویان و پژوهشگرانی که می خواهند در رابطه با رضایت زناشویی در ایران پژوهش نمایند پیشنهاد می شود پرسش نامه ای برای این منظور تهیه نمایند که در آن فرهنگ ، مذهب و ملیت ایرانی لحاظ شده باشد.

منابع :

- یانگ ، ج. ۱۹۵۰، شناخت درمانی اختلالات شخصیت ، ترجمه: دکتر علی صاحبی ، حسن حمید پور ، تهران: انتشارات آگاه.
- یانگ ، کلوסקو ، ویشار . ۱۹۵۰، طرح واره درمانی، ترجمه حسن حمید پور ، زهر اندوز ، تهران : نشر فردا.
- نازیلا مهبد ، خ ۱۳۸۸، بررسی رابطه ویژگی های شخصیتی و رضایت زناشویی زوجین شهر تبریز ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، تبریز ، دانشگاه آزاد اسلامی .
- ایسان قائمیان اسکویی ۱۳۸۸ بررسی رابطه تیپهای شخصیتی و شیوه های حل تعارض بین فردی با سازگاری زناشویی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، تبریز دانشگاه آزاد اسلامی .
- اینترنت.
- ثنایی ، ب ف ۱۳۷۹، مقیاسهای سنجش خانواده و ازدواج ، تهران ، نشر بعثت .
- ساپینگتون ، ۱۳۷۹، بهداشت روانی ، ترجمه حمید رضا حسین شاهی برواتی ، تهران ، نشر روان .
- اندوز ، زوج ، حمیدپور . بررسی رابطه بین طرحواره های ناسازگار اولیه، سبک دلبستگی و رضایت از زندگی زناشویی در زوجین. خلاصه مقالات دومین کنگره آسیب شناسی خانواده در ایران (ص ۱۶۵). تهران: دانشگاه شهید بهشتی
- اسماعیلی فارسانی، بهمن (۱۳۷۴). بررسی ارتباط خویشتن پنداری و رضایت از زندگی زناشویی دانشجویان دانشگاه های دولتی و آزاد، اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه تربیت معلم.

Young, J.E., & Brown, G. (2001). Young Schema Questionnaire; Special Edition. New York: Schema therapy Institute

Huston, Tedl. & Vangelisti Anital. (1991). Socioemotional behavior and Satisfaction in marital relationships: A longitudinal study.

Acitelli Linda K. Tonic. Antonucci. (1994). Gender Differences in the link Between Marital support and satisfaction in older couples.